

تحلیل راهبردی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان: چالش‌ها و راهکارهای سیاستی

مرضیه جوادی^۱، مصطفی امینی‌ارانی^۲، پژمان عقدک^۱، راحله سموعی^۱

خلاصه سیاستی

خلاصه اجرایی

این گزارش با هدف ارائه‌ی راهکارهای عملی برای ارتقای عملکرد مراکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت تدوین شده است. بر اساس تحلیل جامع شرایط موجود و مشورت با ذینفعان کلیدی، مهم‌ترین چالش‌های این مراکز شامل پراکندگی حوزه پژوهش‌ها، ضعف در تبدیل یافته‌ها به سیاست‌های اجرایی و محدودیت در تعامل با جامعه شناسایی شده است. در این خصوص راهکارهای پیشنهادی، «تقویت ارتباط با جامعه» به عنوان محوری‌ترین راهبرد مورد تأکید قرار گرفته است، به هر روی افزایش آگاهی عمومی و جلب مشارکت مردمی هم کیفیت تحقیقات را ارتقا می‌دهد و هم زمینه اجرایی شدن نتایج پژوهش‌ها را فراهم می‌کند. راهکار دوم که «توسعه‌ی همکاری‌های بین‌بخشی» است، نیازمند ایجاد سازوکارهای نهادی برای هماهنگی بین مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی است. این همکاری‌ها می‌تواند به اشتراک‌گذاری داده‌ها، جلوگیری از موازی‌کاری‌های پژوهشی و همراستایی تحقیقات با نیازهای واقعی کشور منجر شود. «تغییر در نظام ارزشیابی پژوهش‌ها» به عنوان راهکار سوم مطرح می‌شود. در حال حاضر، معیارهای ارزیابی عمدتاً بر تعداد مقالات و شاخص‌های کمی متمرکز است، در حالی که برای تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت، باید شاخص‌هایی مانند تأثیر اجتماعی، کاربست نتایج در سیاست‌گذاری و مشارکت ذینفعان نیز مورد توجه قرار گیرد. در کل اجرای موفق این راهکارها نیازمند توجه به چند نکته کلیدی است: نخست آنکه باید از پروژه‌های پایلوت در مقیاس کوچک شروع کرد و پس از ارزیابی نتایج، آنها را به سطح ملی تعمیم داد. دوم آنکه جلب حمایت سیاست‌گذاران از طریق ارائه‌ی مستندات قوی و شواهد ملموس از تأثیر تحقیقات بر سلامت جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. در نهایت، ایجاد سیستم‌های پایش و ارزشیابی مستمر می‌تواند به اصلاح و بهبود مداوم راهکارها کمک کند. آنچه در نهایت می‌توان به آن تأکید کرد این است که تحقق اهداف مراکز تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت، نیازمند عزمی ملی و برنامه‌ای منسجم است که هم به نیازهای فوری پاسخ دهد و هم چشم‌انداز بلندمدت را مدنظر قرار دهد.

واژگان کلیدی: برنامه راهبردی؛ عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت؛ خلاصه سیاستی.

ارجاع: جوادی مرضیه، امینی‌ارانی مصطفی، عقدک پژمان، سموعی راحله. تحلیل راهبردی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان: چالش‌ها و راهکارهای سیاستی. مجله دانشکده پزشکی اصفهان ۱۴۰۴؛ ۴۳ (۸۱۱): ۳۶۳-۳۶۷.

توصیف مسئله

در دنیای امروز، عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت (Social Determinants of Health) SDH به عنوان تعیین‌کننده‌های کلیدی سلامت جامعه شناخته می‌شوند. این عوامل شامل شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی هستند که بر وضعیت سلامت افراد تأثیر می‌گذارند (۱). بخشی از این رسالت سلامت محور، با مراکز تحقیقاتی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت است و برای دستیابی به آن، تبیین مأموریت‌های مراکز تحقیقاتی و اجرای مناسب آنها از ضروریات بوده و زمینه را برای ارزیابی کیفی‌تر آنها در سنجش‌ها فراهم می‌کند (۲). بر این اساس برای آنکه مراکز بدانند به کجا خواهند رفت، باید بدانند

اکنون دقیقاً کجا قرار گرفته‌اند (۳). مراکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت دانشگاه‌های علوم پزشکی با مأموریت تولید دانش و ارائه‌ی راهکارهای عملی برای بهبود این عوامل تأسیس شده‌اند با این حال، با وجود اهمیت این مراکز در سیاست‌گذاری‌های سلامت، چالش‌های متعددی از جمله کمبود منابع مالی، ضعف در هماهنگی بین‌بخشی، و ناآگاهی جامعه و سیاست‌گذاران از نقش این مراکز و مواردی دیگر مانع از تحقق کامل اهداف‌شان شده است. ریشه این مسئله، به تغییرات سریع محیطی، سیاست‌های ناکارآمد، و عدم انطباق برنامه‌های استراتژیک با نیازهای واقعی جامعه بازمی‌گردد و ضرورت تدوین، بازنگری و به‌روزرسانی

۱- مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده‌ی مسؤول: راحله سموعی؛ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

برنامه های راهبردی را ایجاد می کند. این امر توجه سیاستگذاران را به لزوم تدوین برنامه های منعطف و پاسخگو جلب می کند. هدف از تدوین و تحلیل برنامه، شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای پیش روی مراکز و ارائه راهکارهای سیاستی برای بهبود عملکردشان است. این تحلیل به سیاستگذاران کمک می کند تا تصمیمات آگاهانه تری بگیرند و زمینه را برای تعامل مؤثرتر بین مراکز و سایر نهادهای مرتبط فراهم می کند. این سند با تمرکز بر چالش های آینده و ارائه راهکارهای عملی، تلاش می کند تا نقش این مراکز را در ارتقای سلامت جامعه پررنگ تر کند و سیاستگذاران را به اقدامات مؤثر در این زمینه ترغیب نماید.

روش اجرا

پژوهش با هدف تحلیل برنامه راهبردی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به روش

کیفی- کمی انجام شد. جامعه مطالعاتی شامل اعضای شورای پژوهشی و تیم اجرایی مرکز تحقیقات بود. داده ها از طریق پرسشنامه ساختار یافته (Strengths, weaknesses, opportunities, and threats) SWOT، مصاحبه نیمه ساختاریافته با اعضا، مرکز و مدیران بالا دستی و جلسات بحث گروهی متمرکز جمع آوری شدند. عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و خارجی (فرصت ها و تهدیدها) شناسایی و در جلسات بررسی و تأیید نهایی شدند. برای وزن دهی اولویت بندی عوامل، از ماتریس های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی استفاده شد. سپس جایگاه استراتژیک مرکز با ماتریس (Internal-external Matrix) IE تعیین گردید. در نهایت، راهبردهای چهارگانه (SO, ST, WO, WT) تدوین و با ماتریس (Quantitative Strategic Planning Matrix) QSPM اولویت بندی شدند. داده ها در نرم افزار Excel تحلیل شدند. این فرایند به بازنگری برنامه راهبردی مرکز برای دوره چهارساله کمک کرد.

جدول ۱. تحلیل سیاست ها، الزامات، موانع، مزایا و معایب راهبردهای عملیاتی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

گزینه های سیاستی	الزامات اجرایی	موانع اجرایی	اثرات مثبت	اثرات منفی
توسعه مشارکت های بین بخشی	هماهنگی بین سازمان ها و جذب منابع مالی	نبود انگیزه کافی در ذینفعان	افزایش اثربخشی پژوهش ها و بهبود سیاست گذاری	هزینه بر بودن و زمان بر بودن اجرا
تقویت تعامل با جامعه و ذینفعان سلامت	آموزش جامعه و ایجاد بسترهای ارتباطی	کمبود آگاهی عمومی در مورد SDH	افزایش مشارکت مردمی و بهبود پذیرش نتایج	مقاومت در برابر تغییرات اجتماعی
ارتقای نظام ارزشیابی پژوهشی	بازنگری دستورالعمل ها و حمایت مدیران ارشد	نبود ساختار مناسب ارزشیابی	افزایش کیفیت تحقیقات و شفافیت بیشتر	نیاز به بازمهندسی فرآیندهای موجود
توسعه بانک یافته های پژوهشی بین مراکز	ایجاد سامانه یکپارچه و اشتراک گذاری داده ها	محدودیت های امنیتی و مالکیت داده ها	تسهیل تحقیقات بین رشته ای و کاهش دوباره کاری	چالش های فنی و حقوقی
جلب حمایت سیاستگذاران برای ارزشیابی متفاوت	ارائه مستندات تاثیر گذار و لابی گری	مقاومت در برابر تغییر سیستم های فعلی	انطباق بهتر با نیازهای جامعه و تخصیص بهینه بودجه	زمان بر بودن فرایند اقتناع ذینفعان

جدول ۲. تحلیل بهره برداران و چارچوب اجرایی راهبردهای عملیاتی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

گزینه های سیاستی	ذینفعان کلیدی	موضع احتمالی	چالش های ذینفعان	چارچوب زمانی	اقدامات تسهیل کننده
توسعه مشارکت های بین بخشی	وزارت بهداشت، دانشگاه ها، سازمان های اجرایی	حمایت کننده (در صورت توجیه اقتصادی)	تعارض منافع و اولویت های متفاوت	میان مدت (۲-۳ سال)	ایجاد کمیته های مشترک و انعقاد تفاه نامه ها
تقویت تعامل با جامعه و ذینفعان سلامت	مردم، سمن ها، مراکز بهداشتی	مثبت (در صورت آموزش موثر)	کمبود زیرساخت های مشارکت مردمی	کوتاه مدت (۱ سال)	برگزاری کارگاه های آگاهی بخش
ارتقای نظام ارزشیابی پژوهشی	معاونت پژوهشی، اساتید، پژوهشگران	مقاوم (در صورت تغییر ساختارهای فعلی)	ترس از افزایش بار کاری	بلند مدت (۳-۵ سال)	تدوین دستورالعمل های شفاف و مشوق های مالی
توسعه بانک یافته های پژوهشی بین مراکز	مراکز تحقیقاتی، فناوری اطلاعات	مشروط (حفظ مالکیت داده ها)	نگرانی از سوء استفاده داده ها	میان مدت (۲-۴ سال)	ایجاد پروتکل های امنیتی و رمز گذاری داده ها
جلب حمایت سیاستگذاران برای ارزشیابی متفاوت	وزیر بهداشت، مجلس، مدیران ارشد	بی طرف (نیاز به مستندات قوی)	عدم آگاهی از ضرورت تغییر	بلند مدت (۴-۵ سال)	ارائه گزارش های تأثیر گذاری و کارزارهای تبلیغاتی

نتیجه‌گیری و اولویت‌بندی گزینه‌های سیاستی

اجرای موفق هر یک از گزینه‌های سیاستی پیشنهادی، مستلزم توجه دقیق به بسترهای اجرایی و موانع پیش‌رو است. «توسعه‌ی مشارکت‌های بین‌بخشی» اگرچه می‌تواند به هم‌افزایی منابع و تخصص‌های مختلف منجر شود، اما در عمل با چالش‌های جدی مواجه است. مهم‌ترین مانع در این مسیر، ناهماهنگی ساختاری بین سازمان‌های مختلف است که هر کدام اولویت‌ها، فرایندهای تصمیم‌گیری و حتی زبان تخصصی متفاوتی دارند. این ناهماهنگی می‌تواند به تعارض منافع و کندی پیشرفت پروژه‌های مشترک بیانجامد. علاوه بر این، فقدان مکانیسم‌های شفاف برای تقسیم منابع مالی و مسئولیت‌ها می‌تواند اختلافات اجرایی را افزایش دهد. برای غلبه بر این موانع، ایجاد ساختارهای حاکمیتی مشترک با اختیارات و مسئولیت‌های مشخص ضروری است. این ساختارها باید بتوانند با وجود حفظ استقلال سازمان‌های عضو، هماهنگی لازم را برای پیشبرد اهداف مشترک ایجاد کنند.

«تقویت تعامل با جامعه و ذینفعان سلامت» از جمله سیاست‌هایی است که با وجود سادگی ظاهری، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. در بسیاری از موارد، آگاهی عمومی در باره عوامل اجتماعی تعیین‌کننده سلامت در سطح پایینی قرار دارد و همین امر مشارکت فعال جامعه را با مشکل مواجه می‌کند. از سوی دیگر، نهادهای مدنی فعال در حوزه سلامت اغلب با محدودیت منابع و دسترسی مواجه هستند. برای موفقیت این سیاست، باید برنامه‌های آموزشی هدفمند و مستمر طراحی شود که بتواند مفاهیم پیچیده سلامت اجتماعی را به زبان ساده و قابل فهم برای عموم منتقل کند. همچنین ایجاد سازوکارهای حمایتی برای تقویت نهادهای مدنی می‌تواند بستر لازم برای مشارکت مؤثر آنها را فراهم آورد. «ارتقای نظام ارزشیابی پژوهشی» نیازمند تغییرات بنیادین در نگرش‌ها و ساختارهای موجود است. نظام‌های فعلی ارزشیابی پژوهش، عمدتاً بر شاخص‌های کمی مانند تعداد مقالات منتشر شده تمرکز دارند، در حالی که برای ارزیابی تحقیقات مرتبط با عوامل اجتماعی سلامت، باید شاخص‌های کیفی مانند تأثیر اجتماعی پژوهش و کاربست نتایج در سیاستگذاری نیز مورد توجه قرار گیرد. این تغییر نگرش می‌تواند با مقاومت پژوهشگرانی مواجه شود که سال‌ها با معیارهای سنتی فعالیت کرده‌اند. برای کاهش این مقاومت، لازم است تغییرات به صورت تدریجی و با ارائه‌ی آموزش‌های لازم همراه باشد. همچنین طراحی نظام‌های تشویقی مناسب می‌تواند پژوهشگران را به پذیرش این تغییرات ترغیب کند.

«توسعه‌ی بانک یافته‌های پژوهشی بین‌مراکز» اگرچه از نظر تئوری می‌تواند مانع دوباره‌کاری‌های پژوهشی شده و به تقویت همکاری‌های علمی بینجامد، اما در عمل با چالش‌های فنی و حقوقی متعددی مواجه است. مسائل مربوط به مالکیت داده‌ها، رعایت حقوق مؤلفان و حفظ

حریم خصوصی شرکت‌کنندگان در پژوهش‌ها از جمله این چالش‌ها محسوب می‌شوند. برای حل این مشکلات، تدوین پروتکل‌های استاندارد برای اشتراک‌گذاری داده‌ها که هم جنبه‌های اخلاقی و هم جنبه‌های حقوقی را پوشش دهد، ضروری است. همچنین سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های فنی برای ایجاد سامانه‌های امن و کاربرپسند می‌تواند به موفقیت این سیاست کمک کند.

«جلب حمایت سیاست‌گذاران» شاید چالش‌برانگیزترین بخش از برنامه‌های پیشنهادی باشد. سیاستگذاران معمولاً به نتایج کوتاه‌مدت و ملموس توجه دارند، در حالی که تأثیرات پژوهش‌های مرتبط با عوامل اجتماعی سلامت اغلب بلندمدت و غیرمستقیم است. برای اقناع سیاستگذاران، باید بتوان نتایج پژوهش‌ها را به زبان سیاستگذاری ترجمه کرد و تأثیرات ملموس آنها را بر شاخص‌های سلامت جامعه نشان داد. تشکیل شبکه‌های ارتباطی بین پژوهش‌گران و سیاستگذاران و استفاده از رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی درباره یافته‌های پژوهشی می‌تواند به تقویت این ارتباط کمک کند.

در بین گزینه‌های مختلف، تقویت تعامل با جامعه و ذینفعان سلامت، توصیه می‌شود در اولویت اول قرار گیرد، چون بدون مشارکت فعال جامعه، سایر سیاست‌ها نیز با دشواری‌های اجرایی مواجه خواهند شد. این سیاست از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند همزمان هم آگاهی عمومی را افزایش دهد و هم بستر لازم برای پذیرش سایر برنامه‌ها را فراهم کند. اولویت دوم می‌تواند به توسعه‌ی مشارکت‌های بین‌بخشی اختصاص یابد. این سیاست می‌تواند به تدریج موانع ساختاری را کاهش دهد و همکاری بین سازمانی را نهادینه کند. ارتقای نظام ارزشیابی پژوهشی به عنوان اولویت سوم مطرح می‌شود. این راهبرد مهمی است ولی تأثیر آن بیشتر در بلندمدت آشکار خواهد شد. دو سیاست آخر نیز اگرچه ارزشمند هستند، اما به دلیل پیچیدگی‌های اجرایی و نیاز به بسترهای فنی و حقوقی پیشرفته، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. نکته‌ی کلیدی در اجرای موفق این سیاست‌ها، توجه به ارتباط سازمان‌یافته بین آنهاست. هیچ یک از این سیاست‌ها به تنهایی نمی‌تواند تأثیر مطلوب را ایجاد کند، بلکه موفقیت در گرو اجرای هماهنگ و تکمیل‌کننده‌ی تمامی این برنامه‌هاست. همچنین باید به این واقعیت توجه داشت که تغییر در حوزه‌ی عوامل اجتماعی سلامت نیازمند صبر و استمرار است و نتایج آن در بلندمدت آشکار می‌شود. بنابراین برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که هم به نیازهای فوری پاسخ دهد و هم چشم‌انداز بلندمدت را در اختیار داشته باشد.

تشکر و قدردانی

این مقاله منتج از طرح تحقیقاتی با شماره‌ی ۲۴۰۱۹۲ که در دانشگاه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان تصویب و با حمایت مالی دانشگاه علوم

پزشکی اصفهان به انجام رسیده است. بدین وسیله از همکاری مدیران و متخصصان حوزه در جلسات مصاحبه‌ی فردی و در جلسات متمرکز گروهی و هم‌اندیشی قدردانی می‌شود. این پژوهش با همت ارزشمند مرحومه دکتر مرضیه جوادی (مجری طرح) آغاز شد و با پیگیری‌های ایشان به نتیجه رسید. مقاله‌ی

حاضر بر اساس یافته‌های علمی حاصل از تلاش‌های ایشان و با تکیه بر داده‌هایی که سهم بسزایی در گردآوری آن‌ها داشتند، تدوین شد. ما عمیقاً قدردان تلاش‌ها، بینش علمی و همراهی بی‌چشمداشت ایشان هستیم و این اثر را به نام نیکشان تقدیم می‌کنیم.

References

1. Mohammadi F, Samouei R. Social determinants of health: Awareness and attitude of students and professors in medical sciences universities. J Educ Health Promot 2023; 12: 155.
2. Framework for preparing strategic plans for study centers and executive agencies of the country. Strategic Management Research 2015; 20(56): 27-57.
3. Kaissi AA, Begun JW. Strategic planning processes and hospital financial performance. J Healthc Manag 2008; 53(3): 197-208.

Strategic Analysis of the Social Determinants of Health Research Center, Isfahan University of Medical Sciences: Challenges and Policy Solutions

Marzieh Javadi¹, Mostafa Amini-Rarani², Pejman Aghdak², Rahele Samouei²

Policy Brief

Executive Summary

This report aims to provide practical solutions to improve the performance of social determinants of health research centers. Based on a comprehensive analysis of the existing conditions and consultation with key stakeholders, the most important challenges of these centers have been identified, including the dispersion of research lines, weakness in converting findings into executive policies, and limitations in interacting with the community. In this regard, the proposed solutions emphasize “strengthening communication with the community” as the most central strategy, because increasing public awareness and attracting public participation not only improves the quality of research, but also provides the basis for implementing research results. The second solution, “developing interdisciplinary cooperation,” requires the creation of institutional mechanisms for coordination between research centers, universities, and executive agencies. These collaborations can lead to data sharing, preventing research duplication, and aligning research with the country’s real needs. “Changes in the research evaluation system” are proposed as a third strategy. Currently, evaluation criteria are mainly focused on the number of articles and quantitative indicators, while for social determinants of health research, indicators such as social impact, application of results in policymaking, and stakeholder participation should also be considered. Overall, the successful implementation of these strategies requires attention to several key points. First, it is necessary to start with small-scale pilot projects and, after evaluating the results, expand them to the national level. Second, it is particularly important to gain the support of policymakers by providing strong documentation and tangible evidence of the impact of research on community health. Finally, establishing continuous monitoring and evaluation systems can help to continuously refine and improve the strategies. What can ultimately be emphasized is that achieving the goals of the Social Determinants of Health Research Centers requires national determination and a coherent plan that both responds to immediate needs and considers the long-term perspective.

Keywords: Research Design, Social Determinants of Health, Policy Brief

Citation: Javadi M, Amini-Rarani M, Aghdak P, Samouei R. **Strategic Analysis of the Social Determinants of Health Research Center, Isfahan University of Medical Sciences: Challenges and Policy Solutions.** J Isfahan Med Sch 2025; 43(811): 363-7.

1- Health Management and Economics Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

2- Social Determinants of Health Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Corresponding Author: Rahele Samouei, Social Determinants of Health Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran; Email: samoueir@gmail.com